**مواعظ العددیه ، حدیث ۳۸۲۹**
گناهی کبیره است که خدا به آن وعده عذاب و آتش داده است. در روایات مختلف تعداد گناهان کبیره متفاوت است: در یک روایت 7 گناه را به عنوان گناه کبیره شمرده است، در یک روایت 9 گناه، در یک روایت مثل روایت اعمش تعداد آن سی و چند عدد شمرده شده است.

جایگاه گناهان کبیره در معرفت دینی مهم است. بعد از معرفت الله مطلبی مهم تر از ترک کبائر نیست. ورود در مناهی الهی عصیان خداست! تمرد نیست، تجاوز است! ترک کردن امر الهی بد است، اما بدتر از آن انجام دادن مناهی است. پایه اولیه سلوک مرحوم مروارید مشهد این بود که نمازتان را اول وقت بخوانید، به پدر و مادر نیکی کنید، از کبائر دوری کنید.

آن چیزی که از ما خواسته شده است، عصمت نیست؛ بلکه از ما خواسته شده است که به اندازه خودتان در مقابل گناه استقامت کنید.
بعضی از اعمال هم باعث می شوند که گناه صغیره به کبیره تبدیل شود: این که بر گناه اصرار کنید، یا اینکه گناه خود را ناچیز بشمارید. یکی از رئوس دعوت انبیا این بوده است که مراقب باشید به این گناه ها آلوده نشوید.

در این حدیث می فرماید گناهان کبیره 8 عدد است. چهار گناه در لسان است. بیشترین گناه مربوط به زبان است، هیچ اندامی به این اندازه نمی تواند گناه کند. خوش به حال افراد لال! اکثر اهل جهنم به خاطر زبان جهنمی می شوند. کمتر کسی از زبان نجات پیدا می کند. هر گناهی که با دست و پا نتوانستید بکنید، با زبان می توان مثل آن را انجام داد. بعضی ها می گفتند که کنترل زبان محال است؛ باید حجم سخن گفتن را کم کرد. محال است آدمی به کمال برسد مگر کسی که بتواند زبانش را کنترل کند. اگر حرف زدید، دل و نفس از آن چه که خواسته خالی شده است. تولد حکمت، ترقی و پیشرفت در کنترل زبان است. لذا می بینید زندگی اهل معرفت پر از سکوت است.

البته منظور از بستن زبان، نگفتن کلمه حق نیست. آن جایی که پای نفس و منیت در میان بود، حرفی گفته نشود بهتر است. اما اگر حرف از افق زمان و مکان خارج شد و به یک حرف کلی مبدل گشت، آن را بگویید. حضرت علی (ع) وقتی حرف می زند، همه اش حرف حق است.

اما چهار گناه کبیره زبان:

1. شرک
زبان یک بار فعل است، یک بار وسیله شناخت دل و عقل است. لذا تعدادی از گناهان در بعضی روایات گناه زبان گفته شده است، در بعضی دیگر گناه دل. شعار غلط، شعور غلط تولید می کند و شعور غلط هم شعار غلط تولید می کنند.
بزرگترین ستمی که انسان می تواند در زندگی خودش نسبت به خودش انجام بدهد، شرک است. راس نصایح لقمان به پسرش این است که مراقب باشد که چیزی غیر از خدا در این عالم نبینید. انسان تا در قلعه توحید است از همه بلاها ایمن است. به مجرد این که پای کسی دیگری باز شد دچار شرک می شود. شرک خفی می شود ریا و شرک اخفی می شود عجب. چیزی غیر از خدا در فعل خدا دیده شد شرک است. در یک روایت آمده تشخیص آن از تشخیص مورچه سیاه بر سنگ سیاه در شب تاریک سخت تر است. یعنی محال است! روایت می خواهد بگوید به جایی این که دنبال مبارزه با شرک باشید، دنبال تقویت توحید باشید.

2. شهادة الزور
یعنی انسان دروغی بگوید که حق کسی با آن جا به جا شود. بسیاری از آن کسانی که در جریان انحرافات بعد از رحلت پیامبر (ص) از رئوس انحراف شدند، کسانی بودند که در زمان پیامبر (ص) از گفتن بعضی حقایق پرهیز کردند. حرف ها منشا تصمیم ها و اراده ها می شود.

3. قذف المحصنه
قذف یعنی تهمت زدن ناروا به زن پاکدامن. از گناهانی است که منتقم آن خود خداست. بعضی از این فحش‌هایی که افراد در عصبانیت می دهند، به مادر دیگران را توهین می کنند، در روایت آمده است که خود امام زمان (عج) این ها را حد می زند.

4. و السحر
اوراد شیطانی که بعضی می خوانند سحر است. از گناهانی است که در آخر الزمان شایع می شود. یکی از کارهایی که باعث شد بنی اسرائیل در آخر بدبختی زیادی برای خودشان خریدند، این بود که به سحر روی آوردند. امروزه خیلی از افراد با توهم این که سحر شده اند، به افرادی مراجعه می کنند و به عنوان بطلان سحر دست به سحر می زنند.

دو گناه کبیره که مربوط به شکم است؛
5. اکل الربا
مطلق مال حرام خوردن گناه کبیره است. اما در بین اموال حرام، بدترین مال، این دو مال است: ربا و مال یتیم. ربا اعلان جنگ با خدا است. در روایت دیگری آمده خوردن یک درهم ربا از 80 بار زنا با محارم بدتر است. گناه ربا گناه سنگینی است و تا مغز استخوان نفوذ می کند. در عصر اخیر هم معاملات مضاربه ای زیادی وجود دارد که شبه ربا است. در روایات آمده است که در آخر الزمان مردم یا ربا می خورند، یا گرد ربا بر اموالشان نشسته است.

6. اکل اموال الیتامی ظلما
در بسیاری از روایات ندادن خمس به خوردن مال یتیم تفسیر شده است. خمس از احکامی است که خیلی ها متوجه آن نیستند. فقیر و غنی ندارد، همه باید خمس بدهند. مالی که در زندگی تان هزینه نشد، بنابر فتاوا به آن خمس تعلق می گیرد.

یک گناه کبیره در دست است:
7. قتل النفس بِالیَد
بیدار کردن کینه در افراد و تحریک دیگران به این فعل قبیح، مشارکت در قتل است. در یک خانواده ممکن است یک نفر دیگری را به قتل برساند، اما برای خیلی ها قتل نوشته می شود؛ آن افرادی که با نمامی، غیبت و دروغ کینه یک فرد را در دل دیگری کاشتند.

یک گناه کبیره هم در پا است:
8. فرار من الزحف
استقامت از واجبات است و سستی و فرار در جهاد گناه است. سستی در جهاد فرهنگی هم دست کم از آن ندارد! کوتاهی در مقابل تعدی دشمن ممنوع است. چه کلامی باشد، چه یدی؛ «کلمةُ الحق عند امام الجائر» افضل جهاد است. خفت و ذلت خیلی از امت ها به این دلیل بوده است که پاهای مردانشان در مقابل دشمن سست بوده است.. فرار یعنی حفظ جان خود. انسان چه بخواهد چه نخواهد، دارد زندگی می کند. در زندگی باید هدف داشت، خود زندگی هدف نیست! خدایا خودت کمک کن که آن روزی که روز ایستادگی در کنار امام زمان (ع) و یاری ایشان است، قدم هایمان ثابت بماند.

اگر قبله قلب ما پول و زن و زندگی شد، در میدان جنگ یاد آن ها می افتیم و پای استقامت نداریم. از اثرات فرار از جنگ این است که عمر انسان کوتاه می شود. چون انسان خیال کرد با فرار عمرش بیشتر می شود، لذا خدا از اجل محتوم آن ها کم می کند. این قضیه را در جهاد فرهنگی می توان این گونه تعبیر کرد که کسانی که به خاطر لذت جویی، از جهاد فرهنگی فرار کردند خداوند بهره لذت از زندگی را از آن ها می‌گیرد.

و یک گناه کبیره هم در کل بدن است:
9. عقوق الوالدین
یعنی حرمت پدر و مادر را بشکنیم و کاری کنیم که دل آن ها از ما کنده بشود. در روایت آمده است که اگر بچه پدر و مادرش را با اسم کوچک صدا کند، از مصادیق عاق والدین است. هیچ کسی به اندازه پدر و مادر در این دنیا بر آدم حق ندارد. خودتان تنها بروید و به پدر و مادرتان سر بزنید. امروز چیزی که به عنوان رفت و آمد باب شده است، یک تکلف رفتاری است. در روایت دارد که خدا از نفرت خود بر یک بنده، به خاطر احترامی که به پدر و مادرش می گذارد، بر می گردد.

۴ مرداد ماه ۹۷

مسجد جامع صفا